

جوری که روابط عمومی دانشگاه گلستان دنیا رو میبینه



شناسنامه

صاحب امتیاز: امیررضا کاظمی

مدیرمسئول: سید مهدی شیرنگی

سردبیر: سینا مرادحسینی

هیأت تحریریه:
سینا مرادحسینی
احسانچ!
حسین کزازی
امیررضا کاظمی
منیژه شیرآزاده

طراح جلد، صفحه آرایی و چاپ:

سینا مرادحسینی و امیررضا کاظمی
(گروه طراحی دانشجویگراف)

چرخه‌نامه

حکیمی را گفتند: مدرک دانشگاه به چه ماند؟

گفت: به خریزه!

گفتند: حکیمان شگفت سخنی است و شگرف حرفی. خریزه را چه به مدرک؟

گفت: مدرکی را که نان نباشد به هیچ نیاید. از کهن گفته شده است: «فکر نان باش که خریزه آب است» ولی کنون که خوب در این مسائله می‌نگرم خریزه را فایده‌تی است که مدرک را نیست.

گفتند: آن چه باشد؟

گفت: خریزه را لااقل آبی هست ولی مدرک را آن هم نیست.

چرند و پرند:

عنوان سلسله مقالات
طنزآمیز، اجتماعی و
سیاسی به زبان عامیانه و
محاوره ای از علی اکبر
دهخداست که در ۳۵
شماره ی هفته نامه صور
اسرافیل، بین پیروزی
انقلاب مشروطه و شروع
استبداد صغیر در سوئیس
چاپ می شد.

دوستی خاله خرسده!

نویسنده: یه خرس

بعد چک کردن نمره
- سلام رها جون چند شدی؟
+ ۱۱.۲۵، گفتم که پاس
میشم، حالا تو چند شدی
گفتی میفتم! پاس شدی؟
نیوشا: ۱۸ شدم



↑
رها



↑
نیوشا

شاید واستون پیش اومده
باشه که همچین دوستایی
داشته باشیم، یادی کرده
باشیم ازشون. ازین دوستی
های خاله خرسه

چطوری دوست خوبیم؟

- سلام نیوشا جون خوبی؟
+ سلام رها جونیییی مرسی،
تو خوبی عزیز دلم؟
- منم خوبم عشقم، میگم
واسه امتحان فردا خوندی؟
+ آره تا حدودی خوندم اگه
مشکل داری میتونم کمکت
کنم
- واقعا؟!
+ آره چطور مگه...
- من هیچی نخوندم دیگه هم
نیوشا: وای سخت بود میفتم
رها: بد نبود امتحانم پاس
میشم

جوری که روابط عمومی دانشگاه گلستان دنیا رو میبینه

ورود غیر اصلاح طلبان ممنوع!

نویسنده: وایتکس



سایت دانشگاه می شوند. اگر وظیفه مشخصشان در روابط اینکار تبعیض هم نباشد، عمومی دانشگاه بپردازند. قطعاً امریست که باعث چرا که از نشر اخبار و محتوای ناراحتی دانشجویان و تشکل حزب مورد علاقه خود گرفته های انقلابی دانشگاه خواهد تا برگزاری جلسات شورای هماهنگی اصلاح طلبان شد. در اینجا از روابط عمومی استان گلستان از جمله اقدامات ناشایست، غیر گلستان درخواست داریم که قانونی و به دور از عدالت این دانشگاه را ملک شخصی خود ندانسته و مکان دیگری برای سیاسی بازی های خودشان انتخاب کنند و به دور از هرگونه تفکر سیاسی به

متأسفانه چند سالی است که پلاستیکی هم مورد استقبال روابط عمومی دانشگاه قرار گرفته است و تا حد نشر آن در صفحه اصلی سایت دانشگاه نیز اقدام نموده اند که بسیار جای تأسف دارد در دانشگاهی که فعالیت های فرهنگی بسیار مورد پسندی همچون اردوی جهادی، نمایشگاه چهل سالگی انقلاب و... برگزار می شود، همچنین برنامه هایی تیتریک

متأسفانه چند سالی است که سایت و تمامی رسانه های دانشگاه گلستان محلی شده است برای تبلیغات و نشر اخبار انواع مراسمات و رویداد های اصلاح طلبان. که با مرور سطحی سایت و کانال اطلاع رسانی روابط عمومی در طی ماه های گذشته متوجه این امر تبعیض آمیز خواهید شد که حتی برنامه های کوچک همچون جمع آوری در بطری

تربیونی آزاد و بدون مرز

نویسنده:
یکی از حضار

+ ممد سلام موضوع چیه؟
- مگه نمیبینی تربیون آزاده!
+ |||| چه جالب خب موضوع
چیه؟
- تربیون آزاده دیگه!
+ نه... میدونم تربیون آزاده
ولی حول چه موضوعی باید
آزادانه حرف بزنیم؟
- هااا؟؟
+ هیچی ولش کن، چیبییی
اولین تربیون آزاد؟؟ پ اونی
که دو سال پیش گرفتن چی
بود؟
- اون منطقه آزاد بود این
تربیون آزاده.
+ عجب! خب حالا چی میگن؟
- خعلی باحاله خودت گوش
کن:

نفر اول:
دانشجویان مبارز (دست
حضار) سلام (دست حضار)
این انقلاب (دست حضار)
باید آزادی (دست حضار) آقا
این چه وضع (دست حضار)
شه
ممنون از وقتی که در اختیارم
گذاشتید (دست حضار)

نفر دوم:
آقای دکتر یغمایی (دست و
جیغ و هورا) چرا ما باید
(دست و سوت) سلف غذا
(دست خالی) خوابگاه ها
(جیغ و کف)
ممنون و متشکرم (کف مرتب)

نفر سوم:
سلام من می خوام (دست و
داد) با شعر متنم رو

بخونم (دست و اشک)
الذین یومنونه گشمنونه حضار)
تشنمونه (به به، به به + دست و...
های پیایی)
نفر چهارم:
آقا این بچه های ب... و ج...
کوشن پ چرا نمیان (دست
حضار)
نفر پنجم:
این چه وضع بازیه؟ آقای پرز
چرا رونالدو رو فروختی؟
(دست حضار با اندکی
تعجب) مگه ما مسخره دست
شماییم؟ (دست اسکاتلندی
حضار)
نفر ششم:
نفر چهارم اومدم بگم بچه
های ب... و ج... دهننتون
آسفالت پاشین بیان دیگه

مرسی اه... (دست رگباری
تشنمونه گشمنونه حضار)
و...
+ آره واقعا چقد جذابه
مخصوصا اونجاش که نوک
پیکان انتقادات سمت پرز نه
مربی تیم! خب حالا بسه دیگه
مردیم از این همه جذابیت!
بریم سلف دیرمیشه هاهمون
استانبولی با موهم که سابقا
میخوردیم هم بهمون
نمیرسه ها!
- بریم ولی ناموساً قبول
داری تو این مملکت آزادی
نیست ...



انتخاب واحدشون گیر داره
هنوز.
اون غذاها مارو بهش معتاد
کرده
اما گزینه آخر که
دستشویی انسانیه.
توهم کم چیزی که میریزن
توهم هم میاره
اونجا که بریم دیگه من
چه میدونم یا شیشه یا
هممممه ره میخوام.
هروئین
خلاصه عاجزانه خواهش
بایدم توهم زاباشه
مندم حداقل به این بنده
ما توهم میزنیم که غذامون
حقیره بسته کافور اهدا
خوبه
کنید.
توهم میزنیم که
بعدم گفتم که اقا کافور
دانشگامون مشکلی نداره
نیست.
توهم میزنیم که بسته
ولی چیزایی دیگه هست
صبحانه بهمون دادن
نمیدونم چیه!! ولی مخدره
اصلا حتی اینکه دانشجو
ماهایی که میبینیم همه
هستیم هم توهم ناشی از
شام و نهار رو از سلف
همون غذاهاست
میخوریم معتادیم
وگرنه شما برو چارتا جا
معتاد نباشیم که اصلا
کسی نمیخوره اینارو
دیگه دانشگاه و دانشجو
هاشوببین
اینا همه دست های پشت
اگه اونا دانشجو عن
پردست که واسه فروش
پس ما چی هستیم؟؟